



مصاحبه مدیر سایت جنبش دمکراتیک یارسان با آقای حسین علیزاده دیپلمات مستعفی سفارت ایران در فنلاند

حسین علیزاده دیپلمات سابق وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، متولد سال 1344 و فوق لیسانس روابط بین الملل است. آقای علیزاده بیست سال کارمند وزارت خارجه بوده و از سال 2006 به بعد معاون سفیر جمهوری اسلامی در فنلاند و اخیراً به خاطر قتل عامها رژیم در ایران از سفارت جمهوری اسلامی دست کشیده و از کشور فنلاند تقاضای پناهندگی نموده است. ایشان دارای همسر و 3 فرزند میباشند که همگی در فنلاند زندگی میکنند. مدیر مسئول سایت جنبش دمکراتیک یارسان فرصتی پیدا کرد تا با ایشان مصاحبه‌ای انجام دهد، توجه خوانندگان را به این مصاحبه جلب میکنیم.

آقای علیزاده از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید سپاسگذارم

علیزاده من هم سپاسگذارم که این فرصت را به من دادید تا خوانندگان سایت جنبش دمکراتیک یارسان بتوانند از نقطه نظرات من مطلع شوند.

سؤال: آقای حسین علیزاده من اولین سؤال را اینجوری مطرح میکنم: چرا از وزارت خارجه جمهوری اسلامی کنار گرفتید و اعلام پناهندگی کردید؟

جواب: ببین به نظر من جمهوری اسلامی بر پایه‌ی سه اصل پایه‌ریزی شده بود. اول نظام جمهوری، دوم اسلامی و سومی ایران. من وقتی میبینم که این نظام به هر سه اصل پشت کرده دیگر جایی برایم در این نظام باقی نمی‌ماند، اولاً هیچ ارزشی برای رای مردم قائل نیستند و دارند مردم را قتل عام میکنند. ارزشی برای اسلام قائل نیستند که دیدیم همه که بنام اسلام چه جنایتهایی در حق مردم انجام میدهند و به مردم تجاوز میکنند. مملکتی به نام ایران هم برایشان مهم نیست. مهم حفظ قدرت برای نظام خودشان است. این بود که من دیگر تحمل ماندن در این نظام را نداشتم.

سؤال: چرا بعد از بیست سال تازه به این نتیجه رسیدید؟

جواب: ببین من نوجوانی بودم که در ایران انقلاب شد. جوان بودم و سر کار رفتم. بعد جذب وزارت خارجه شدم. در واقع من به نظام جمهوری اسلامی به معنای واقعی اعتقاد داشتم. دوست داشتم برای پیشرفت کشورم زیر سایه همین نظام خدمت کنم و آرزو داشتم که کشورم جزء کشورهای پیشرفته دنیا بشود. ولی وقتی دیدم که آرزوهایم به حقیقت نپیوست و دیدم که این نظام بر عکس آرزوهای من عمل میکند، در اصلاحات را میندود و کشور به سمت دیکتاتوری پیش میرود. مردم را قتل عام میکند، دیگر تحمل و صبر من تمام شد و به جریان جنبش سبز پیوستم. وقتی کشف شدم که من در ارتباط با جنبش سبز هستم، مرا به ایران فراخواندند. من هم وقتی که میدانستم که راه برگشتی نیست، بیرون آمدم و اعلام پناهندگی کردم.

سؤال: یعنی اگر کشف نمیشدید استعفاء نمیدادید؟

جواب: نخیر ترجیح میدادم که بمانم تا بیشتر بتوانم اخبار داخل رژیم را بدست بیاورم.

سؤال: چه توصیه‌ای برای سایر همکارانت دارید؟

جواب: دو انتظار دارم از همکارانم، اول اینکه اطلاعات مهم را به ما برسانند تا بدست جنبش سبز برسایم و به مردم اطلاع دهیم و بتوانیم جنبش سبز را نگه داریم. سعی کنند که در درون نظام مؤثر باشند و بر علیه نظام فعالیت کنند و تا زمانی که شناسائی نشده‌اند به این روش ادامه دهند، زمانیکه کشف شدند مثل من اعلام پناهندگی کنند.

سؤال: وضعیت حقوق بشر در ایران در حال حاضر چگونه است؟

جواب: با کمی مکث، چه بگویم در یک کلام اگر خلاصه کنم: وضع حقوق بشر در ایران فجیع است. وقتی این قتل عامها در ایران اتفاق می افتد. وقتی این همه دستگیریهایی بی اساس صورت میگیرد، وقتی این همه سرکوب و شکنجه میبینیم، چه تصویری در رابطه با وضع حقوق بشر در ایران میتوان داشت؟ گفتم فاجعه است!

سؤال: آینده جمهوری اسلامی را چگونه میبینید؟

جواب: ببیند جمهوری اسلامی دو راه حل بیشتر وجود ندارد. رژیم یا باید تن به اصلاحات ریشه‌ای بدهد، حقوق مردم را کاملاً رعایت کند، حقوق اقلیتهای قومی و آیینی را به رسمیت بشناسد و به حقوق آنها احترام بگذارد، اختیارات ولی فقیه را محدود کند و در واقع تن به اصلاحات ریشه‌ای و واقعی بدهد، که این امکان اصلاً غیر ممکن است و رژیم هیچ وقت تن به این اصلاحات نمیدهد. راه دوم فریاشی نظام و سقوط جمهوری اسلامی. که مورد دوم به نظر من ممکن است.

سؤال: در مصاحبه‌ای که با صدای آمریکا داشتید، در جواب مجری گفتید از خرداد پارسل تا قبل از استعفایتان از سفارت جمهوری اسلامی پنج بار به وزارت خارجه فنلاند احضار شده‌اید و به خاطر نقض حقوق بشر در ایران تذکر گرفته‌این، که از این پنج بار دو بار خود شما بودید که به وزارت خارجه فنلاند احضار شدید، و همزمان اشک از چشمتان سرازیر و ناراحت شدید چرا؟.

جواب: سکوت، "دوباره اشک از چشمانش سرازیر میشود" چه بگویم؟ ما کشوری هستیم با سابقه چند هزار سال، ما یک تاریخ طولانی داریم. فنلاند هنوز 90 سال است استقلال پیدا کرده است! برای کشوری که با این سابقه تاریخی شرم نیست که در طول یک سال پنج بار به وزارت خارجه کشوری که تازه استقلال یافته احضار شود و در رابطه با نقض حقوق بشر مردم خودش تذکر بگیرد؟؟؟ آنهم در لباس دیپلمات، از شما بپرسند چرا مردمتان را میکشید؟ چه جوابی دارید؟ آخر مردم چه گناهی کرده‌اند و چه خواسته‌اند که کشته شوند؟ مگر مردم ما چه چیز عجب و غریبی خواستند که جوابشان گلوله بود، که هر بار ما بایستی با سرافکنندگی دروغ میگفتیم و کشتار مردم را پایمال میکردیم؟ یک بار یادم هست که من به وزارت خارجه فنلاند احضار شدم. این خبر از روزنامه منتشر شده بود و من نمیدانستم. پسر 15 ساله‌ای دارم این خبر را خوانده بود. وقتی به خانه رفتم پسر را دیدم که رنگش پریده بود و بسیار افسرده شده بود. وقتی مرا دید لب تاپ را گذاشت و رفت توی اتاق. رفتم دیدم دو زانویش را بغل گرفته و ناراحت است. پرسیدم چه شده پسر؟ با ناراحتی گفت فهمیدم که پدرم از دولت فنلاند تذکر دریافت کرده است چرا؟ ببین وقتی توی خانه هم آرامش ندارید و باید به خانواده خودت هم دروغ بگویند و در خانه هم احساس شرمندگی بکنید، پس چه جایی در این رژیم دارید؟ ما خواستیم ایران را آباد کنیم ولی وقتی میبینم که ایران را به ویرانه تبدیل کرده‌اند، دیگر جایی برای من در این رژیم و در ایران نیست.

سؤال: کشوری که دیپلماتش استنفاء میدهد، پس وضع حقوق بشر آن کشور معلوم است، آیا در این رابطه به کشور فنلاند، توصیه یا درخواست کرده‌اید که بیشتر به کیس پناهندگان متقاضی پناهندگی ایرانی توجه شود؟.

جواب: ایران یک کشور مهاجر پذیر و در عین حال کشوری است که مهاجر میفرستد!! میبینیم که از کشورهای عراق و افغانستان مهاجرین به ایران می‌آیند و در این حال میبینیم که ایرانیان خود، منجمله مغزهایی که آینده سازان مملکت هستند از ایران فرار میکنند! این بسیار جای شگفتی است و در عین حال بسیار فاجعه‌آمیز میباشد. این مهاجرین تواناییهای زیادی برای آبادانی مملکت دارند. به نظر من اگر کشورهای اروپایی، منجمله فنلاند از این توانایی پناهندگان استفاده کنند ضرر نمیکند. من تا به حال چنین تقاضا و توصیه‌ای نکرده‌ام، ولی اگر فرصتی پیش بیاید حتما این کار را خواهم کرد. من کارهایی در دست دارم که امیدوارم بتوانم آنها را انجام دهم. هنوز زود است! من تازه کمتر از دو ماه است که اعلام پناهندگی کرده‌ام ولی حتما این کار را خواهم کرد و این درخواست را از فنلاند میکنم. در یک کلام من هم هم عقیده هستم وقتی مملکتی دیپلماتش پناهنده میشود وضع حقوق بشر در آن مملکت فاجعه میباشد.

سؤال: آقای علیزاده آیا سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی، که بی گمان در سفارت هم نماینده دارند، و سفارت جمهوری اسلامی در اروپا منجمله فنلاند بدنبال کسب اطلاعات و یا بهتر بگویم شناسایی پناهندگان سیاسی یا مخالفین جمهوری اسلامی بودند.

جواب: ببینید هر حکومت دیکتاتوری در دنیا که جمهوری اسلامی یکی از آنهاست، همیشه سعی خواهند کرد که مخالفین خود را تعقیب کنند و بدانند چکار میکنند. در اروپا جمهوری اسلامی این کار را کرده و خواهد کرد ولی نه برای همه پناهندگان ایرانی، بلکه برای کسانی که اکتیف بودند و کار سیاسی میکردند بر علیه رژیم.

سؤال: بعد از بریدگی از رژیم و اعلام پناهندگیتان، آیا تا به حال مشکلات امنیتی برایتان پیش آمده؟.

جواب: خوشبختانه تا به حال به شکل فیزیکی مشکل خاصی بر ایمان پیش نیامده است، ولی بوده که با ایمیل و تلفن تهدید کرده‌اند.

سؤال: بعد از استعفای شما دیپلماتها، خامنه‌ای در یک سخنرانی گفت آنها مشکل روانی دارند، در این باره چه نظری دارید؟.

جواب: خیر شخص خامنه‌ای در این خصوص صحبتی نکرده است. سخنگوی وزارت خارجه چنین سخنی گفته است ولی او مشخص نکرد چه نوع مشکل روانی ما داریم. اگر من مشکل روانی داشتم چرا معاون سفارت ایران در هلسینکی شدم. در ضمن مگر من تنها هستم. بعد از من فرزاد فرهنگیان از بروکسل پناهنده شد و پیش از من هم حیدری از اسلو. بسیاری هم در ایران استعفا داده اند. واقعیت این است که ریزش در وزارت خارجه بالا گرفته است.

در پایان مجدد از شما سپاسگذارم و آرزوی موفقیت برایتان دارم

من هم سپاسگذارم و برایتان در پیشبرد کارهایتان آرزوی موفقیت دارم.

مدیر مسئول سایت جنبش دمکراتیک یارسان

18.11.2010

